

استاد فرشچیان



ماجرای عنایت امام رضا علیه السلام در شروع طراحی ضریح

ماجرای عنایت امام رضا علیه السلام در شروع طراحی ضریح

↓ استاد فرشچیان

یک حالت معجزه‌ای بود، و همین حالا که در حضور شما هستم، من این دست راستم از جوانیم خیلی قوی‌تر و بدون لرزش، الحمدلله خداوند عنایت فرمود، بنده یادم هست که کتاب سومم می‌خواستم چاپ بکنم، این فرم‌های کتاب رو من ناچار بودم که با خودم ببرم آلمان، در آلمان چاپ شد، و...

- سوال: فرم‌ها یعنی بعد از اینکه صفحه‌بندی و این‌ها شد فقط

چاپ شد؟

بله! فرم‌های اصلیش رو که اگر که احیانا یک چند صفحه‌ای گم می‌شد مجدداً همه کار من عقب می‌افتاد، بعد یادم هست که این ناچار بودم با دست خودم، سنگین هم بود، حمل کنم؛ این قطارِ راه آهن آلمان که پیچید، می‌خواست تغییر جهت بده راهش رو و بره، این دست راست من رفت لای در قطار و این عضله من پاره شد، تمام عضلات دست من!

- سوال: همون موقع درد شدید و این‌ها احساس کردید یا نه، شدید شد؟

به قدری این درد شدید بود، به قدری که اصلاً من واقعاً داشتم از تاب، بی‌تاب می‌شدم....بعد، حالا یک مقداری آلمان ما رو مداوا کردند که افاقه نمی‌کرد، خیلی به سختی بود، ادامه باز اوادم آمریکا، دوتا از دکترهای بزرگی رو که ورزشکارهای چند میلیونی رو که کت‌هاشون و اینا رو درست می‌کردن، عمل می‌کردن، گفتند اگر که این دستت رو عمل نکنی، این دست عضلاتش ضعیف و ضعیف‌تر می‌شه و از کار می‌افته! و اگر هم بخوای عمل کنی باید ۶ ماه مداوا کنی توی گچ بمونه؛ البته من خیلی ناراحت شدم بالاخره طبیعیت دیگه!

- سوال: باید تصمیم می‌گرفتین که جراحی بکنین یا نه؟!

نه! خیلی متردد بودم و خیلی فکر می‌کردم، در این اثنا یکی دو روز بعدش طول نکشید که طرح ضریح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نصیب من شد، به من تلفن کردند و ابعاد فرستادند و گفتند که حتماً این طرح رو بایستی تو انجام بدی...

- یعنی گفتگوتون بر سر اون ضریح تلفنی انجام شد؟
بله تلفنی انجام شد، می‌شناختند من رو، خیلی خوب می‌شناختند و دیده بودند، شاید هم نمونه‌هایی گرفته بودند.

- سوال: کی با شما تماس گرفت؟
از آستان قدس رضوی تماس گرفتند.

- کسی که باهاتون تماس گرفت یادتونه الان یا نه؟
بله! از آستان قدس رضوی بودن تماس گرفتن.

- نه اسمشون مثلاً؟

بله! از دفتر جناب آقای تولیت اونجا، مرحوم آقای طبرسی
رحمة الله عليه.

- زنگ زدن به شما که...

بله! زنگ زدن، گفتن که تو یک طرحی برای ضریح حضرت
علی بن موسی الرضا بده، خوشحال شدم، واقعاً توی دلم یک
نوری، یک لطفی بهم ساری و جاری شد.

باور کنید وقتی که این طرح رو، ابعدادش رو هم بهم دادن، این
کاغذهای بزرگ پهناوری که اون طرح ضریح روش هست پهن
کردم روی میز، خدا گواه هست وقتی قلم دستم گرفتم
کوچیکترین احساس درد نکردم، حالا نمی‌دونم...

- این در شرایطی بود که پس همچنان درد می‌کرد و این، وقتی
شروع کردین! ...

خیلی دردناک بود و خیلی مشقت آور بود، و این طرح‌ها رو که
پهن کردم روی میز، بدون اینکه، قلم رو که گرفتم دستم هیچ
احساس درد نکردم!

- توی همون شروع قصّه؟

با همون بله! اوایل، موازی با همون که من طرح می‌کردم با همون قلم و این‌ها، اصلاً من نمی‌دونم، اصلاً انگار دردی نبود برای من! و کار کردم؛ البته ناگفته نماند یک دو سه جلسه، چند جلسه کمی هم بعد رفتم فیزیوتراپی که اون هم می‌رفتم یا نمی‌رفتم هیچ تفاوتی نمی‌کرد؛ این طرح رو انجام دادم و خب الحمدلله دست راستم شفا پیدا کرد و ...

- سوال: دیگه بدون هیچ معالجه‌ای؟

هیچ هیچ!

- جراحی؟

نه، ابد!!!

- دارو؟

و همون‌طور که عرض کردم خدمتتون، از جوانیم قوی‌تره این دست راست من!



[@aparat.com/be_sooye_zohoor](https://aparat.com/be_sooye_zohoor)



[v_bagherpour_kashani](https://www.instagram.com/v_bagherpour_kashani)



[@seratehagh1](https://t.me/seratehagh1)



[besouyezohour](https://www.besouyezohour.com)



[bagherpour-kashani.com/](https://www.bagherpour-kashani.com/)



[@serat12k](https://www.serat12k.com)



[youtube.com/c/seratehagh](https://www.youtube.com/c/seratehagh)



<https://naakhodaa.ir>